



**Хислатхон МАХАМАДАЛИЕВ**

доцент

филология фанлари номзоди

Ўзбекистон давлат жаҳон тиллари

университети

**کلمات ترکی که تا قرن ۱۹ به زبان فارسی اقتباس شده**

**(بر اساس فرهنگ های تفسیری)**

Мазкур мақолада XIX асрга қадар яратилган форсий изоҳли луғатлар ва улар таркибидаги форс, араб тил бирликлари ичида тенг келиб қолган омонимик муносабатни ҳосил қилувчи туркий сўзлар хусусида сўз боради. Шунингдек, омонимиянинг турли кўринишлари ҳақида маълумот берилди.

В статье речь идёт о тюркских словах, которые образуют омонимические отношения, ставшие равнозначными внутри языковых единиц арабского и персидского языков в персидских толковых словарях, созданных до XIX века нашей эры. Также даются сведения о различных видах проявления омонимии.

The article covers the Turkic words that form the homonymous relations have become interchangeable units within the language of Arabic and Persian languages in Persian explanatory dictionaries which were created before the XIX century AD. Besides, provides information about different types of manifestations of homonyms.

**Калит сўзлар:** изоҳли луғатлар, луғат мақола, омонимия, омоформа, омофон, омограф.

**Ключевые слова:** толковый словарь, словарная статья, омонимия, омоформа, омофон, омограф.

**Key words:** explanatory dictionary, dictionary entry, homonymy, homomorph, homophone, homograph.

در هندوستان تعداد بی شمار فرهنگ های تفسیری فارسی عبارت از تشریحات و توضیحات گنجینه کلماتی که ثروت های زبان را نمایان کرده و بلاواسطه مربوط به بابر و سلسله بابریها میباشد ایجاد شدند. ظهیرالدین محمد بابر و نمایندگان خاندان سلطنت بابریها با وجود اینکه دور از وطنشان زندگی میکردند با هدف حفظ زبان مادری خود سر سخت کوشش کردند. این هم به نوبت خود نشان میدهد که در هندوستان مناسبت مثبت نسبت به زبان و ادبیات قدیمی از یک بوجود آمده است. در حیات اجتماعی آن زمان در یک ردیف با واژه های فارسی، عربی، هندی از کلمات ترکی هم فعالانه استفاده میشود. سبب این در کلمات و اصطلاحات بود که بسیار نام های آلات، مفاهیم، عادات و رسوم زندگی مردم و امور نظامی

بابر میرزا و اشخاصی که دور وی بودند به اصناف مختلف جامعه تعلق داشتند و همچنان خلاف آنها در هندوستان از کلمات ترکی فعالانه استفاده میکردند. در نتیجه کلمات و اصطلاحات ترکی در معاشرت و تماسها بین اهالی هندوستان عوج گرفته است یعنی به زبان مردم جذب شدند. این هم به نوبت خود تقاضا میکرد که در جریان تدوین فرهنگها میبایست کلمات ترکی را هم در نظر گرفت. بابر و بابریها در هندوستان بیش از ۱۰۰ فرهنگها و آثار ایجاد کردند و در تکامل و پیشرفت زبان قدیمی ازبک سهم بزرگی داشته اند. آثار بابر که به زبان قدیمی ازبکی ایجاد شده است ("بابرنامه"، مجموعه اشعار "دیوان هندی" و غیره) دلیل و اثبات فکر ما میباشد. بین منابع بیشمار فرهنگ نویسی که تا سده ۱۹ ملادی ایجاد شده "غیاث اللغات" محمد غیاث الدین یکی از آثار مشهور زمان خود بوده، اگرچه در هندوستان به زبان فارسی ایجاد شده است، در یک ردیف با واژه های فارسی، عربی، هندی کلمات ترکی وجود دارند به تمام رشته های حیات اجتماعی تعلق دارند (در حدود یک هزار کلمه). مؤلف لغت مذکور محمد غیاث الدین آموزگار مدرسه بود.

در نتیجه ۱۴ سال کار جانبازانه دانشمند در سال ۱۲۴۲ هجری (سال ۱۸۲۷ ملادی) در هندوستان اثر "غیاث اللغات" را ایجاد کرد. "غیاث اللغات" فرهنگ تفسیری فارسی میباشد که به خود ۱۷۵۳۷ مقاله های لغت را گنجانیده است. محمد غیاث الدین به عنوان منبع از "بهار عجم" رای طیکچند بهار، "چراغ هدایت" و "سراج اللغات" سراج الدین علیخان آرزو و "لغات ترکی"، "فرهنگ جهانگیری" جمال الدین حسین انجو، "مؤید الفضالی" محمد لاد، "منتخب اللغات" ملا عبدالرشید، "برهان قاطع" محمد حسین استفاده کرده بود. "غیاث اللغات" چند بار در هندوستان، تاشکند و کاکان هم به چاپ رسیده است. معلوم است که تشکل و تکمیل سریع زبان قدیم ازبک در ماوراء النهر و خوراسان به آخرین دوران حکمرانی سلطنت تیموریها مصادف بوده است. در این دوران یعنی در نیمه دوم قرن ۱۵ ملادی دانشمند و شاعر بزرگ علیشیر نوایی ایجاد میکرد. سهم بزرگ علیشیر نوایی در تکامل بیشتر زبان قدیم ادبی ازبک و ارتفاع زبان تا سطح زبان دولتی بدون شک واقعاً حقیقت است (۱۱ - ۱۰؛ ۱۳ - ۱۲، ۱۰). نوایی در آثار خود، به خصوص در "محاکمت اللغتین" زبان ترکی را با زبان فارسی مقایسه کرده بر اساس تحلیل مثالها نمایان کرد که زبان ترکی از زبان فارسی عقب نمانده و حتی بعضی اوقات از آن برتری هم داشته است. ظهیرالدین محمد بابر (۱۵۳۰-۱۴۸۳) که در این دوران زندگی میکرد به زبان قدیم ازبک آثار ایجاد کرده در تاریخ زبان و ادبیات ازبک اثر بزرگی جا گذاشت. در آغاز سده ۱۶ ملادی بابر هندوستان را فتح کرد. خلقهای ترکی در آنجا زبان و فرهنگ خود را پخش و انتشار میدادند. این هم به نوبت خود به زبان فارسی که وسیله اساسی رابطه و معاشرت بود تاثیر خود را کرده است. دقیقتر باشد، در نتیجه تاثیر مذکور به ترکیب زبان فارسی کلمات و اصطلاحات ترکی وارد میشد (۲۶-۲، ۲۱). پروفیسور ص. عظیمجانوا تأکید میکند که در کاخ بابر و بعداً در کاخ همایون بعضی شاعران از بخارا، سمرقند و تاشکند آمده آثار خود را به زبان قدیم ازبکی ایجاد میکردند. پسران بابر: همایون میرزا (سالهای ۱۵۵۶-۱۵۳۰ حکمرانی کرده است) و کامران میرزا (سالهای حکمرانی ۱۵۶۲-۱۵۵۶) هم به زبان ترکی ایجاد کرده اند. همایون و کامران کوشش میکردند تا زبان ترکی یعنی زبان قدیم ازبکی را حفظ و نگاه کنند (۳، ۶۷). اما نبیره بابر اکبرشاه (۱۶۰۵ - ۱۵۵۶) کوشش نکرد که زبان قدیم ازبکی را به عنوان زبان دوم ادبی حفظ شود. در نتیجه تمام امور دولتی و اسناد اداری به زبان فارسی - تاجکی اجراء میشدند. در دوران اکبرشاه "بابرنامه" و دیگر آثار تاریخی که به زبان قدیم ازبکی ایجاد شد به زبان فارسی ترجمه شده است.

یکی از آخرین وارث های سلسله بابریها ابو مظفر محی الدین اورنگزب آلمگیر (۱۷۰۷ - ۱۶۵۸) به زبان قدیم ازبکی اهمیت خاصی میداد. او کارهای جد خود بابر را در امور تقویه و استحکام زبان ترکی به عنوان زبان ادبی ادامه داد. طبق فرمان اورنگزب فرهنگ چغطای به فارسی و دستور زبان به نام "کلورنامه" ایجاد شد. نویسنده ی این اثر دانشمند از کاخ اورنگزب محمد یعقوب چینگوی بوده است. بعداً در دوران حکمرانی محمد شاه (۱۷۴۷ - ۱۷۱۹) شیخ طیب بخاری به زبان فارسی فرهنگ "الفاظ جلیه فی بیان لغت التریکه" که به زبان ترکی آسیای میانه عاید بود ایجاد کرد. در نتیجه بوجود آمدن (پیدایش) مناسبت مثبت نسبت به زبان و ادبیات قدیم ازبکی در حیات اجتماعی هندوستان آن زمان در یک ردیف با واژه های فارسی، عربی، هندی از کلمات ترکی هم در جریان معاشرت و رابطه فعالانه استفاده میکردند. علت این عبارت از آن بود که نام های آلات، ابزار، مفاهیم، عادات و رسوم مردم و همچنین امور نظامی معنی داشتند کلمات ترکی بوده اند. بابر میرزا و اشخاصی که به اصناف و طبقات مختلف مربوط بودند، نسلهای او هم در استفاده از اینجور کلمات فعال بودند. کلمات و اصطلاحات ترکی در نتیجه ی چنین فعالیت به معاشرت و رابطه بین مردم در هندوستان نفوذ پیدا کردند یعنی به زبان مردم کشور جذب شده اند. این هم به نوبت خود تقاضا داشت که در جریان لغت نویسی کلمات ترکی را هم میبایست در نظر داشت.

بعد از آن یعنی در اوایل سده ی ۱۹ در فرهنگ "غیاث اللغات" که از طرف محمد غیاث الدین در هندوستان ایجاد شد و یکجا با واژه های فارسی، عربی، کلمات ترکی هم وجود داشتند و این هم یک اثبات دیگر نظریه ی ما میباشد. در "غیاث اللغات" بین کلمات و اصطلاحات ذکر شده واژه های شکلاً مساوی شده هم بر میخورد.

تجانس لفظی حادثه خیلی قدیم بوده، بر اساس تغییرات اصواتی هم بوجود میاید. در "غیاث اللغات" محمد غیاث الدین انواع گوناگون تجانس لفظی وجود دارد. آنها قرار ذیل میباشند:

۱) متشابه های لغوی. تمام اشکال دستوری این جور متشابه ها یکسان بوده آنها در دایره اجراء سخن (مثلاً اسم ذات، صفت) برابر نمایان میشوند. مقایسه کنید: **بلاق** - چشمه آب، **بلاق** - حلقه بینی که دیوری زنان است؛ **سَنقور** - پرنده است شکاری مثل باز که در هندوستان بواسطه حرارت نزدیک، **سَنقور** - نام یکی از پادشاهان ترک و نام یکی از غلامان؛ **سو** - آب و شراب، **سو** - بدی و اندوه و هر آفتی و مرضیکه باشد؛ **بال** - عسل، **بال** - از کتف تا سر ناخن و بعضی گویند از شانه تا آرنج و بازوی مرغان و نوعی از ماهی بزرگ، **بال** - دل و جان؛ **تاغ** - کوه، **تاغ** - درختی ست که آتش چوب آن دیر ماند، قوسی گوید که قریب بده روز؛ **تزک** - ترتیب و انتظام، **تزک** - ضابطه لشکر و مجلس؛ **لوچ** - احول و برهنه، **لوچ** - نام قومی است؛ **گوک** - مغاک و خندق کوچک، **گوک** - آسمان و رنگ کیبود؛ **یل** - راه، **یل** - پهلوان و شجاع؛

۲) اشکال متشابه (آمورم) چنین اشکال کلمات میباشند که با معنی گوناگون داشته فقط با بعضی از اشکال دستوری (گرامری) خود یکسان تلفظ میشوند و یکسان نوشته میشوند. این حوادث در دایره کلمات مختلف وجود دارد. بطور مثال: بین صفت و اسم ذات: **چاق** - سطر و قوی و چست و تندرست و تازه، **چاق** - وقت و هنگام؛ **ساتگین** - محبوب، **ساتگین** - پیاله شراب خوری؛ **قاق** - گوشت خشک، **قاق** - لاغر و نزار؛ **قرا** - رنگ سیاه، **قرا** - مهمانی.

بین اسم ذات و عدد: **التمش** - فوج پیشین، **التمش** - عدد شصت؛ **بر بر** - یک یک، **بر بر** - ملکی ست بجانب حبشه که مردم آنجا سبزه رنگ باشند؛ **سکز** - کوهست از زابلستان مابین کج و مکران و

بین اسم ذات و فعل: آل تمغا - مهر، آل تمغا - بخشیدن زمین؛ ترکتاز - ناگاه تاختن بر سبیل غارت مثل تاختن ترکان، ترکتاز - مرد سپاهی. به این جور متشابه ها پسوندهای گوناگون میتواند بپیوند. اگر دقیقتر بگوییم، پسوندهای ملکی و صرف شونده به اسم ذات و به افعال پسوندهای تصریف شونده میپیوند. بدین سبب آنها در مناسبت تجانس لفظی اشتراک نمیکند.

۳) متشابه های صوتی (آموفون). این کلمات به تلفظ یکسان بوده، در نوشتن فرق میکنند یعنی بروز خطی چنین کلمات فقط با یک حرف فرق میکنند. مقایسه کنید: ایاغ - پیاله شراب خوری، ایاق - پای؛ الش - از پیش عمرا طعام بنوکران دهند؛ الش - طعام پس مانده؛ یولچی - راهبر و پیک و گذربان، یولچی - گدای راه نشین؛ تزک - ترتیب، تزک - مجلس.

۴) متشابه نویسی (آموگراف). این کلمات به نوشتن یکسان میباشند ولی در تلفظ فرق دارند. مثلا: ایل - سال، ایل - مردمان و قوم و جماعت؛ بوتہ - بچه شتر، بوتہ - درخت کوچک؛ قرق - دنبه، قرق - نگهبانی؛ قزل - سرخ و احمر، قزل - لنگی زشت.

کلماتی که در مناسبت متشابه میباشند میتوانند یکی از آنها ترکی باشد و دومی از زبان دیگری باشد. مثلا: سو(فارسی) - طرف، سو(ترکی) - آب؛ انا (ترکی) - مادر، انا (عربی) - من؛ بال (ترکی) - عسل، بال (عربی) - از کتف تا سر ناخن و بعضی گویند از شانه تا آرنج؛ بادیه (ترکی) - پیاله بزرگ، بادیه (فارسی) - صحرا و بیابان؛ کوز(ترکی) - چشم، کوز(عربی) - کوزه.

بدین طریق، معلوم میشود که در "غیاث اللغات" تعداد زیادی کلمات با شکل خود یکسان بوده، با معنی خود کلمات مختلف هستند یعنی متشابه ها بسیار بر خوردار میشوند. واژه های مذکور مشخص با آن میباشند که به یک زبان و همچنین به زبان های دیگر تعلق دارند.

## ادبیات:

۱. Хусайн Бойқаро. Рисола /нашрга тайёрловчилар: Алибек Рустам, Каримбек Хасан. - Т.: Шарқ, 1991. - ۱۳۱ ص. ; Алиев А., Содиқов Қ. Ўзбек адабий тили тарихидан. - Т.: Ўзбекистон, 1994. - ۱۱۸ ص.
۲. Алиев А., Содиқов Қ. Ўзбек адабий тили тарихидан. - Т.: Ўзбекистон, 1994. - ۱۱۸ ص.
۳. Азимжоновна С. Индийский диван. - Т.: Фан, 1996, - ۸۵ ص.